

به نام خدا

کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی

ترجمه و تالیف

دکتر ابوالقاسم عربیون

(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

محمد اصلاحی



نشر قصار

سرشناسه	: عربیون، ابوالقاسم، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآورنده	: کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی / ابوالقاسم عربیون، محمد اصلاحی.
مشخصات نشر	: تهران؛ قصار، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	: ۵۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۲۸۷-۴-۰
موضوع	: کارآفرینی
موضوع	: مدیریت دانش - - جنبه‌های اقتصادی
موضوع	: رشد اقتصادی - - اثر نوآوری
موضوع	: کسب و کار خرد - - نوآوری
شناسه افزوده	: اصلاحی، محمد،
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ی ۴۴۴/ع ۱۱۵ HB
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۸/۰۴
شناسه کتابشناسی ملی	: ۲۵۹۱۸۰۹



نشر قصار

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، نرسیده به جمهوری، کوچه نوساز، پلاک ۲۰ واحد ۲
تلفن: ۹۱۹۵۹۳۲۲۳۸-۰۹۱۲۴۳۴۱۱۲۸-۶۶۴۹۷۵۴۵

Email: Qesarpub@yahoo.com

کارآفرینی، دانش و رشد اقتصادی

مؤلفین:

دکتر ابوالقاسم عربیون (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

محمد اصلاحی

صفحه‌آرا: میثم فرجی

طرح جلد: علیرضا شیرینی همدانی

چاپ اول، ۱۳۹۱

تیراژ: ۵۰۰ نسخه - قیمت: ۲۰۰۰ تومان

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: صفیه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۲۸۷-۴-۰

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به نشر قصار و نویسنده‌ی آن می‌باشد، هرگونه دخل، تصرف و بهره‌برداری بدون اجازه کتبی نویسنده و نایید ناشر ممنوع و دارای پیگرد قانونی است.

کارآفرینی در گرو ایده است. وقتی ایده‌ای را می‌پروریم می‌توانیم از آن بسیاری از نیافته‌ها را سامان دهیم. همیشه فرصت‌های بزرگ از یک ایده و ذهن خلاق بر می‌خیزد، ذهنی که می‌تواند با ایجاد ایده‌ای کارآمد رشد و توسعه به همراه بیاورد و دسته‌بندی ذهنی و دوری از پراکندگی ذهنی اولویتی است که می‌تواند در ادامه یک ذهن خلاق را بارور سازد. بسیاری از ذهن‌های خلاق در روند اندیشه دچار ایست‌های نابهنگام شده و جریان ایده‌پردازی را دچار تزلزل و سرانجام ناکارآمدی نماید. بنابر این برای استفاده از ذهن خلاق در ایده‌پردازی ابتدا باید از تشتت افکار پرهیز کرد و پرداخت ذهنی موثر را نشانه گرفت. این، مرحله‌ای آغازین رشد ذهنی است که قابلیت تبدیل یک سوژه به واقعیت را دارد تا از فرآیند آن، حرکتی رو به جلو برای گسترش و توسعه اقتصادی و اجتماعی به انجام رسد.

نشر قصار امیدوار است در ذیل توجهات حضرت ولی عصر بتواند با نشر کتاب‌های حوزه‌ی کارآفرینی کمکی هرچند اندک به جریان توسعه اجتماعی-اقتصادی موثر و بر پایه‌ی واقعیت‌ها نموده و انگیزه‌ای در جهت باز کردن دریچه‌ای رو به فردا باشد انشا... .

در این مجال لازم است از تلاش‌های گران‌سنگ دانشمند فرهیخته و ارجمند دانشگاه تهران جناب آقای دکتر عربیون که سالیان جوانی و نشاط خود را بر سر کمک به جریان رشد و توسعه اجتماعی-اقتصادی کشور گذارده‌اند در جهت تالیف و ترجمه این دسته از کتاب‌های حوزه‌کار آفرینی، توسعه و اشتغال‌آفرینی نمایم و موفقیت‌های روز افزون جنابشان را از خداوند متعال تقاضا نمایم.

به امید روزی که هر ایرانی یک کار آفرین باشد

محمد رضا شهری

مدیر نشر قصار

فهرست مطالب

۷	چکیده
۸	مقدمه
۱۳	چارچوب نظری
۱۳	نظریه کارآفرینی
۱۴	چگونه یک کارآفرین تعریف می‌شود
۱۷	منابع فرصت‌های کارآفرینانه
۱۹	نظریه دانش در اقتصاد
۲۰	چگونگی تعریف دانش
۲۳	دانش، توانایی فردی و انتخاب شغل
۲۵	کارآفرینی و تئوری سرریز دانش
۲۸	تئوری رشد دانش محور و کارآفرینی
۳۱	یافته‌های اقتصاد خرد و مدل‌های رشد معاصر
۳۲	مدل ساده تطابق ذاتی کارآفرینان و رشد
۳۵	شواهد نظری

یافته‌های نظری در سطح خرد ۳۶.

کارآفرینی، نوآوری و رشد شرکت ۳۶.

منابع دانش، نوآوری و کارآفرینی ۳۹.

شواهدی در سطح متراکم ۴۲.

کارآفرینی، دانش و رشد منطقه‌ای ۴۲.

کارآفرینی، دانش و رشد ملی ۴۴.

نتیجه‌گیری ۵۱.

چکیده

دانش نقش مهمی را در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، هنوز یافته‌های ما از اینکه دانش چطور ایجاد شده، توسعه پیدا کرده و منجر به رشد شده است، ناقص و مختصر است. مدل‌های رشد نئوکلاسیک به کارآفرین توجه نداشتند و دانش را به عنوان یک عامل برون‌زا در نظر می‌گرفتند. اکنون مدل‌های رشد بر مبنای دانش جاری تعریف مجددی از کارآفرین دارند، اگرچه بیشتر مشخصه‌های نوعی آن از بین رفته و ترویج دانش برون‌زا نگه داشته شده که این موضوع به این اشاره دارد که بشکوهی‌ها و نتایج سیاسی برگرفته از این مدل‌ها ممکن است ناقص باشند.

این کتاب مروری دارد بر متونی که رویکرد آن مباحث خلق دانش، ترویج و رشد دانش است و نقش مشخصه کارآفرین در نظایر این فرآیندها پویاست. مشخص خواهد شد که چگونه این بینش می‌تواند با مدل‌های رشد موجود درآمیزد و مبنای اقتصاد خرد کاملتری را ارائه دهد که از فرضیه‌های قابل اندازه‌گیری تجربی نشات بگیرد.

مقدمه

توانایی هر جامعه به منظور افزایش ثروت و رفاه فزاینده به شدت به توان بالقوه آنان برای توسعه کشف و بسط دانش و به موجب آن رشد اثرگذار بستگی دارد. بیشتر مراحل بیان شده در تکامل بشر به وسیله افزایش متناوب دانش و پیشرفت‌های تکنیکی صورت گرفته است. مرحله جهش دانش به وسیله مشخصه‌های توسعه اقتصادی نظیر: آزمایشات بازار، توزیع مجدد ثروت و پیدایش ساختارهای جدید و صنایع پیگیری شد.

این الگوها به وضوح تکامل میان دوره های اول و دوم انقلاب صنعتی در قرون ۱۸ و ۱۹ همچنین مشخصه آشکار سوم که پیشرفت در جهت انقلاب دیجیتالی است را نشان می‌دهند. علی‌رغم این حقیقت و پیش فرض های عمومی در نظام اقتصادی که فرآیند های سطح خرد نقش حیاتی در گسترش و بسط دانش و بنابراین در فرآیند رشد بازی می‌کند، کمبود چارچوب نظری دقیق و همچنین تحلیل تجربی به منظور حمایت از این ادعا وجود دارد.

متغیرهای اقتصاد، دانش، کارآفرینی و توسعه اقتصادی از زمانهای طولانی به عنوان موجودیت های مجزا و متفاوت بیان شده‌اند. هنوز ۱۰-۱۵ سال بیشتر نیست که متونی بمنظور جمع آوری این مفاهیم اقتصادی در یک چارچوب منسجم پدیدار شده است.

دیدگاه‌های علمی گوناگونی به منظور بهبود دانسته‌های ما از اینکه چطور دانش، کارآفرینی و رشد به هم وابسته‌اند ارائه شده و همینطور یک نتیجه‌گیری از این دیدگاه‌ها ارائه می‌شود.

هدف اصلی این نوشته این است که دیدگاه روشنی را از پیشرفت‌های اخیر بر مبنای دانسته‌های ما به منظور پی‌ریزی در زمینه‌های خلق دانش، بسط و تجاری کردن آن و همینطور نقش کارآفرین در این فرآیند پویا ارائه کند. علاوه بر آن شرح می‌دهیم که چگونه این دیدگاه‌ها با مدل‌های رشد موجود منطبق و هماهنگ خواهند شد.

مدل‌های رشد دانشی اصلاح شده از بیشتر یافته‌های اقتصاد خرد و فرضیه‌های قابل سنجش تجربی نشأت گرفته‌اند. همینطور میتوان گفت که از تعامل میان دانش، کارآفرینی و پویایی صنعت و رشد در سطح منطقه‌ای و ملی مشتق می‌شوند.

درک رشد نیازمند یک تعریف خوب از چارچوب تحلیلی خرد و کلان می‌باشد. صرف نظر از همکاری‌های اولیه که بوسیله شومپیتر در اواخر قرن بیستم صورت گرفت، مباحث مرتبط با اثر کارآفرینی بر اقتصاد مدت‌های طولانی نادیده گرفته می‌شد.

پارادایم تعادل عمومی که بیش از نیم قرن بر اقتصاد حکمفرما بود (و هنوز هم قسمت عمده‌ای از آن را تشکیل می‌دهد) سهم کوچکی را برای کارآفرین در نظر گرفته بود. در دهه اخیر علاقه به همکاری کارآفرین به منظور پویایی صنعت و توسعه اقتصاد در میان دانشمندان و سیاست‌گذاران دیده می‌شود.

فرآیند شرح داده شده توسط شومپیتر صورت گرفت که پیشنهاد تلفیق همزمان تئوری رشد بر مبنای دانش را ارائه کرد. همچنین این تئوری به عنوان نقطه عطفی در مفاهیم نظری است که به روشنی کارآفرین را در چارچوب رشد معرفی می‌کند.

Schmitz(1989)

مدلی را ارائه داد که نسبت کارآفرینانی که منجر به افزایش در فرآیند رشد می‌شدند را مشخص می‌نمود.

Lucas(1988)

ارتباطی میان کارآفرینان و ارزش‌ها در سطح پایین‌تر بیان کرد که بر یک اصل بیرونی که از اشکال خاص سرمایه انسانی است (کارآفرینی)، تاکید می‌کرد. او همچنین در مورد اینکه تا چه حد این تفاوت نرخ رشد در میان کشورها می‌تواند منعکس شود بحث نمود. به این ترتیب در بحث رشد درونی مدل‌های نئوشومپیتری شناخته شد.

این مدل‌ها رفتار شرکت‌های بزرگ وقت که درگیر تحقیق و توسعه می‌باشند را به عنوان یک کارآفرینی واقعی تحت تأثیر قرار دادند.

به منظور درک وضعیت، مشخصه‌ها، رهبران، اثر خلق دانش نوآوری و کارآفرینی و پیامدهای تقابل میان پویایی صنعتی و رشد نیاز به یک بصیرت از چند اصل کلی می‌باشد، که به ترتیب اهمیت عبارتند از: اقتصاد، جغرافیای اقتصادی، مدیریت کسب و کار و مدیریت.

رهیافت اصلی این کتاب ارتباط میان ادبیات اقتصادی با اهداف به منظور مرتبط ساختن یافته‌های رشد اقتصاد خرد، بهبود همزمان مدل‌های شکست خورده و پیشنهادهایی به منظور ارتقا می‌باشد.

اگر عامل تغییر (کارآفرین) از فرآیند کنار گذاشته شود، رشد به طور کامل میسر نمی‌شود. این بدان معناست که یافته‌های خرد در سیر تکاملی نظیر: رفتار فردی، آزمایشات و تخریب خلاق شالوده درک رشد می‌باشند.

شومپتر (۱۹۴۷، p. ۱۹۴۹) شاید بیش از هر اقتصاددان دیگری در مورد مشخصه‌های عملکردی یک کارآفرین صحبت کرده است، نظیر: کارآفرین ایده محصولات را ارائه می‌کند - کارآفرین یک ایده یا هر امر مهم دیگری را برای عملیات اقتصادی بیان می‌دارد. بنابراین شومپتر یک ارتباط روشنی را میان کارآفرین و خلق دانش بیان شده در شرایط دستاوردهای علمی، پیش‌بینی نمود.

به نظر می‌رسد این رویکرد که کارآفرینی می‌تواند نقش مهمی را در اقتصاد دانشی ایفا کند، بحث‌های زیادی را میان دانش قراردادی ایجاد نموده است. برای مثال: نظریات، (Chandler (1977), Galbraith (1967), Williamson (1968) که شرکت‌های بزرگ را به عنوان موتور اصلی نوآوری و تغییرات تکنیکی اقتصاد می‌دانند. اما اخیراً شومپتر علی‌رغم ملاحظات بدبینانه اش پیرامون سودمندی این نتایج، با همکاران خود هم عقیده شد، او تا اندازه‌ای از جایگزینی شرکت‌های کوچک و متوسط به وسیله شرکت‌های بزرگ به دلیل تاثیر منفی آنها بر ارزش‌های کارآفرینانه، نوآوری و تغییرات تکنیکی بیم داشت.

برخلاف فرضیه‌های نخستین این محقق برجسته، شواهد تجربی توسعه بیشتر شوراهای صنعتی نتیجه عکس داد. این جریان اتفاق افتاد و به نظر می‌رسید که ناگزیر از رشد اقتصادی و رفاه حتی با دید بدبینانه گذشته بود. در ادامه این تحقیق در ۴ بخش مجزا سازماندهی شده است.

بخش ۲ جنبه‌های نظری کارآفرینی دانش رشد در سطح منطقه‌ای و ملی و چگونگی ساختارهای متراکم در تقابل با رشد را بیان می‌نماید. همچنین پیشرفت‌هایی را در زمینه جغرافیای اقتصادی و رشد درونی نشان می‌دهد. بعلاوه یافته‌هایی در سیر تکاملی کارآفرینانه شرکتی و اقتصاد منطقه‌ای عنوان می‌کند.

بخش ۳ اساساً بر شکل مشابهی ساختار یافته اما یافته‌های تجربی را نیز با تأکید بر رابطه کارآفرینی دانش و رشد ارائه می‌کند.

در بخش ۴ جهت‌گیری‌های ضمنی ارائه شده و در مورد پیشرفت در شرایطی که سیاست‌ها باید در جهت رشد و ذخیره دانش اتخاذ شوند و همین‌طور اشاعه و رشد آن بحث می‌کند.

در قسمت بعدی در بخش ۵ هدف تعریف مهمترین شکاف‌های دانش است که بوسیله تحقیقات بعدی نیاز به بررسی دارند. در بخش پایانی هم نتیجه‌گیری ارائه شده است.